

به نام خدا

# سیر تحول نهادهای آموزش در عصر ایلخانان

مؤلف :

مریم محمدزاده درعی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: محمدزاده درعی، مریم، ۱۳۵۶  
عنوان و نام پدیدآور: سیر تحول نهادهای آموزش در عصر ایلخانان / مولف مریم محمدزاده درعی.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۲۳۹ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۰۹-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: عصر ایلخانان - نهادهای آموزش - سیر تحول  
رده بندی کنگره: LB۱۵۲۵/۹  
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۳۰۲۸۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۰۳۲۳۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: سیر تحول نهادهای آموزش در عصر ایلخانان

مولف: مریم محمدزاده درعی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۲۳۹۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۰۹-۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

فصل اول : کلیات.....	۵
مقدمه.....	۵
فصل دوم : حیات فرهنگی ایران در دوران میانه.....	۱۱
کلیات.....	۱۱
اوضاع فرهنگی در عهد سامانیان.....	۱۳
اوضاع فرهنگی در عهد آل بویه و آل زیار.....	۱۷
اوضاع فرهنگی در عهد غزنویان و سلجوقیان.....	۲۱
اوضاع فرهنگی ایران در زمان ایلغار مغول.....	۲۹
تأثیر تهاجم مغول بر وضعیت فرهنگی ایران.....	۳۶
فصل سوم : تأثیر حاکمیت ایلخانان بر ساخت فرهنگی ایران.....	۴۷
تکوین حکومت ایلخانان و دگرگونی های ساختاری در جامعه.....	۴۷
اوضاع فرهنگی ایران در عصر نا مسلمانی ایلخانان.....	۵۱
اوضاع فرهنگی ایران در عصر مسلمانی ایلخانان.....	۶۴
فصل چهارم : درآمدی بر سیر تحول آموزش در ایران دوران اسلامی.....	۷۵
جایگاه آموزش و مراکز آموزشی در ایران دوران اسلامی.....	۷۵
سیر آموزش در ایران دوره اسلامی.....	۸۱
فرهنگ و آموزش ایرانی در برخورد با مغول.....	۹۰
فصل پنجم : مراکز مهم آموزشی در عهد ایلخانان.....	۹۵
کلیات.....	۹۵
مدارس.....	۹۶
مدرسه سیاره.....	۹۶
مدارس ثابت.....	۹۸
مدارس آذربایجان و سلطانیه.....	۹۹
مدارس سلطانیه.....	۹۹
مدارس تبریز.....	۱۰۰

۱۰۲	مدارس فارس
۱۰۷	مدارس اصفهان
۱۰۹	مدارس یزد
۱۱۴	مدارس کرمان
۱۱۷	سلسله مراتب و ساختار آموزشی مدارس
۱۲۹	خانقاه و خانقاه نشینی
۱۴۲	لنگرها و رباط ها
۱۵۳	شهرستان رشیدی
۱۵۶	مجتمع سلطانیه
۱۵۹	کتابخانه
۱۶۷	فصل ششم: نقش شخصیت های تأثیرگذار در سیر تحول آموزش عصر ایلخانان
۱۶۷	خواجه نصیر الدین طوسی
۱۷۷	خاندان جوینی
۱۹۲	سعدی
۲۰۲	پور بهای جامی
۲۱۳	نتیجه

# فصل اول : کلیات

## مقدمه

تهاجم و حاکمیت مغول ها، دوران جدیدی را در تاریخ ایران آغاز کرد که به سبب ناسلمانی قوم غالب و رویکرد خاص آن ها به جامعه و حکومت (در دورانی از حکومت ایشان) قابل توجه است. حاکمیت مغول ها بر جامعه مسلمان ایرانی تجربه جدیدی بود که تلاش های خاصی را برای مقابله با آن می طلبد. بخش مهمی از این تلاش ها از سوی بزرگان ایرانی صورت می گرفت و کارکرد های خاص ایشان در تعدیل رویکرد سیاسی مغولها و احیای فرهنگ و آبادانی کشور نقش موثری داشت؛ از این روی مطالعه تاریخ ایلخانان و بررسی نهاد آموزش و نقش شخصیت های تأثیر گذار در سیر تحول آن، دارای اهمیت اساسی است. با توجه به آنکه در خصوص سیر تحول نهاد آموزش در عصر ایلخانان تحقیق مستقل و جامعی صورت نگرفته است و تنها در خصوص عملکرد وزراء و دیوانسالاران این عصر به کارکردهای فرهنگی و آموزشی آنها پرداخته شده است؛ این پژوهش بر آن است تا با نگاهی تخصصی به ابعاد مختلف این موضوع، میزان موفقیت یا عدم موفقیت دولتمردان عهد ایلخانی را در سیر تحول نهاد آموزشی مطالعه و بررسی نماید. پژوهش حاضر حاصل نزدیک به یک سال تلاش نگارنده در جهت شناخت جوانب مختلف موضوع بوده و از جهت دسترسی به منابع و گردآوری اطلاعات با مشکلات فراوانی رو به رو بوده است. چنانچه بر اهل تحقیق پوشیده نیست، مطالعه مسائل ساختاری جامعه ایران در قرون میانه و به دست آوردن داده های موثق تاریخی، بنابر ملاحظات خاص تاریخنگاری این اعصار کار چندان ساده ای نیست. مطالعه جایگاه نهاد آموزش در عهد ایلخانان و کارکرد این نهاد در عصر ایلخانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مشکلات

خاص خود را داشته است. با وجود این، نگارنده تمام سعی خود را به کار برده تا در حد توان بر مشکلات موجود فائق آمده و کار کرد های نهاد آموزش در عهد ایلخانان با تکیه بر دوره نا مسلمانی و مسلمانی ایلخانان را روشن نماید. با وجود این بر نقایص کار معترف بوده است؛ چرا که انجام چنین پژوهشی بنابر ملاحظات مربوط بدان و ابعاد وسیعی که داشته، با محدودیت فراوان همراه بوده و احتمال هر گونه خطایی را در خود داشته است. تلاش در جهت نشان دادن سهم دولتمردان ایرانی در مهار رفتار مغولها، چگونگی کار کرد های مراکز همچون مساجد، مدارس، خانقاه ها و غیره و به طور کلی مطالعه ساخت فرهنگی جامعه ایرانی در این عصر و پیامدهای آن از جمله علل انتخاب موضوع بوده است.

پژوهش حاضر در شش فصل انجام شده است. فصل اول با عنوان مقدمه و کلیات طرح تحقیق، به طرح نظری موضوع و مبانی اولیه تحقیق می پردازد. در فصل دوم: «حیات فرهنگی ایران در دوران میانه»، با در نظر داشتن آنچه از منابع اصلی و تحقیقاتی در این خصوص موجود است، به اهمیت ساخت فرهنگی این دوران پرداخته و به خصوص با در نظر داشتن عدم کارایی و نداشتن دانش لازم از سوی ایلخانان، نقش بزرگان و دیوان سالاران ایرانی در تثبیت و نهادینگی نهاد حکومت، و تلاش برای ایجاد امنیت و تمرکز قدرت، در راستای هموار کردن ارتباط متقابل مردم و حکومت آمده است. در مباحث اولیه این فصل به اوضاع فکری و فرهنگی ایران در قرون میانه اشاره شده و در ادامه اوضاع فرهنگی ایران مقارن تهاجم مغول آمده است. نقش مراکز علمی و آموزشی در ساختار فرهنگی این دوران و جایگاه شخصیت های برجسته ای همانند خواجه نظام الملک و اقدامات فرهنگی وی به عنوان یکی از بزرگترین وزیران عصر اسلامی نیز در ادامه مورد بحث قرار گرفته است. در آخر این فصل، تأثیر تهاجم مغول بر وضعیت فرهنگی و چگونگی حیات فرهنگی ایران در دوران فترت (حد فاصل سالهای ۶۱۶ تا ۶۵۴ ه. ق) بررسی شده است. منظور از دوران میانه که در این فصل به کار رفته مقطع زمانی حد فاصل

پیدایش حکومت های محلی در قرن سوم تا آخر عهد ایلخانان و در وسیع ترین معنا تا دوره صفویه است. فصل سوم: «تأثیر حاکمیت ایلخانان بر ساخت فرهنگی» این عهد را بررسی می نماید. در این فصل چگونگی تکوین حکومت ایلخانی که ترکیبی از ساختار ایلی مغول و سنن ایرانی را در خود داشت مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین اوضاع فرهنگی ایران در عصر نامسلمانی و مسلمانی ایلخانان، رقابت میان اهل شمشیر و اهل قلم، ماهیت اثرگذار شخصیت هایی همچون بزرگان خاندان جوینی، سعدی، پوربهای جامی و علاءالدوله سمنانی مورد نظر قرار گرفته است. فصل چهارم با عنوان «در آمدی بر سیر تحول آموزش در ایران دوران اسلامی» در حکم مکمل فصل پنجم، سیر تحول آموزش و جایگاه آن در ساختار فرهنگی ایران را در قرون اسلامی پیش از تهاجم مغول بررسی می کند. در فصل پنجم، «مراکز مهم آموزشی در عهد ایلخانان» به تفصیل بررسی شده اند. در این فصل با تکیه بر منابع دسته اولی همچون تاریخ بخارا نرشخی، تاریخ و صاف، تاریخ اولجایتو، فتوت نامه سلطانی، سفر نامه ابن بطوطه، سوانح الافکار رشیدی و بیش از ده ها منبع دیگر، سیر تکوین و کارکرد مراکز آموزشی همچون مدارس، مساجد، خانقاه ها، لنگرها و دانشگاه ها به صورت جداگانه مورد توجه قرار گرفته اند. فصل پایانی هم نقش «شخصیت های تأثیر گذار در سیر تحول آموزش» از جمله خواجه نصیر الدین طوسی، خاندان جوینی، سعدی، پوربهای جامی و خواجه رشید الدین فضل الله به عنوان مردان اندیشه و سیاست را بررسی می نماید.

در آخر بر خود می دانم که از تمامی اساتیدی که در دوران تحصیل دانه چین خرمن معرفت آنها بوده و به خصوص استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر سید ابوالفضل رضوی و استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر ناصر جدیدی که در طول انجام تحقیق راهنمای بنده بوده اند کمال تشکر داشته باشم. همین طور از مسئولین محترم مراکز پژوهشی و کتابخانه

هایی که با انجام خدمات انسان دوستانه بنده را در انجام پژوهش حاضر یاری کرده اند کمال تقدیر را دارم. شایان ذکر است که نگارنده برنقایص کار معترف بوده و امید آن را دارد که اساتید محترم با ارائه نقطه نظرات خویش در پرباری هر چه بیشتر پژوهش حاضر این شاگرد خویش را یاری نمایند.

والسلام علی من اتبع الهدی



تهاجم مغول به ایران در کنار تخریب شهرها و کشتار جمعیت موجبات انفعال در ساخت فرهنگی جامعه ایرانی را فراهم کرد. مغول ها بر پایه ساختار حیات ایلی می زیستند و در چنین ساختاری توجه به اندیشه، فرهنگ و آموزش جایگاهی نداشت. از این جهت در هنگام حمله مغول بخش وسیعی از مراکز فرهنگی و آموزشی از بین رفت و یا در نتیجه کشتار یا مهاجرت جمعیت رو به افول نهاد. چهار دهه ای که در پی تهاجم مغول ها آمد جز نابسامانی در جوانب مختلف حیات جامعه پیامد دیگری نداشت؛ این در حالی بود که پیش از حمله مغول ساختار علمی و فرهنگی حاکم بر ایران از رونق نسبی برخوردار بود و هر چند در نتیجه عملکردهای سلاجقه با رویکرد غالب کلامی (نگرش اشاعره)، اندیشه و اندیشه پردازان بزرگان مسلمان رو به انفعال نهاد بود اما هنوز از پویایی لازم برخوردار بود. شکل گیری حکومت ایلخانی به گونه ای پایان بخش نابسامانی های چهل ساله پس از حمله مغول بود و طبیعی است که با ایجاد امنیت و برقراری انسجام در جغرافیای سیاسی ایران در زمینه علم و فرهنگ نیز موثر واقع شد.

ایلخانان سلسله ای نامسلمان بودند و چندان با فرهنگ ایرانی آشنایی نداشتند. با این حال در نتیجه مدارای دینی و علاقه مندی به اندیشمندان، موجبات اهتمام نسبی به فرهنگ و مدنیت را فراهم کردند. طبیعی بود که در نتیجه این اهتمام، مراکز آموزشی نیز مورد توجه قرار گیرند و طیف های مختلف جامعه اعم از فلاسفه، فقها، علما، ادبا و متصوفه در این جهت بکوشند. چگونگی سیر آموزش در عصر ایلخانان با توجه به چگونگی کارکرد های مراکزی همچون مساجد، مدارس، خانقاه ها و غیره مسئله ای است که پژوهش حاضر سعی در بررسی آن دارد. طبیعی است که در این جهت ساخت فرهنگی جامعه ایرانی در دوران قبل از حاکمیت ایلخان و مهمتر ساخت فرهنگی عهد ایلخانی نیز در جهت روشن شدن جوانب مختلف تحقیق مورد ملاحظه قرار گیرند. به همین جهت متغیر اصلی تحقیق در

پژوهش حاضر، چگونگی عملکرد ایلخانان و کلی تر ساخت سیاسی این عهد است که تأثیر گذاری آن بر سیر تحول نهادهای آموزشی در عهد نامسلمانی و مسلمانی ایلخانان مورد بررسی قرار می گیرد.

# فصل دوم : حیات فرهنگی ایران در دوران میانه

## کلیات

ایرانیان در طی یک قرن از سال ۳۱ هجری تا استقرار حکومت عباسیان به سال ۱۳۲ هجری ضمن حفظ بسیاری از سنتهای ملی از جمله زبان فارسی میانه (پهلوی) اندک اندک با اسلام آشنا شدند و با خط جدید (عربی) و زبان تحول یافته (فارسی جدید) خود، رویکرد جدیدی را در پیش گرفتند. در قرون نخستین اسلامی، حیات فرهنگی ایرانی، هر چند تنها در برخی از ایالت ها مجال ظهور داشت، اما همچون شکوه و جلال مرکز خلافت، نظر همه متفکران را به خود جلب کرده بود.<sup>۱</sup> با این حال، از آغاز قرن سوم هجری با تعداد زیادی از اسامی عالمان دین و فقیهان ایرانی که اغلب شافعی و به ندرت حنفی هستند روبرو می شویم. بیرونی از خوارزم و ابن سینا از بلخ از جمله آنهاست. همه جا کتابخانه های غنی در دسترس این دانشمندان قرار داشت و بیش از همه در نیشابور و بخارا این خزاین در اختیار آنها بود.<sup>۲</sup> اگر چه در آن زمان مدرسه پزشکی گندی شاپور با تمام سنتهای باز مانده از زمان ساسانیان روز به روز اهمیت خود را از دست می داد.<sup>۳</sup> اما تأسیس حکومت های مستقل و نیمه مستقل از خلافت عباسی، از جمله نمودهای ایرانیان در حوزه تمدن اسلامی بود. برای

---

۱ . برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میر احمدی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران : انتشارات

علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۱

۲ . اشپولر، همان، ص ۳-۴

۳ . همان، ص ۲

مثال می توان به تأسیس دولت طاهریان، صفاریان، سامانیان، علویان طبرستان، آل بویه و آل زیار و ده ها حکومت دیگر در ایران اشاره کرد. نفوذ در ارکان و اجزای سیاسی و اجتماعی حکومت ها و کسب مقام وزارت و دبیری در بسیاری از مناطق اسلامی، از مرکز خلافت گرفته تا ولایات بزرگ، از فرهنگ غنی ایرانی حکایت داشت. به طوری که بسیاری از مورخان، صاحب نظران، شیوه مدیریت و سازماندهی سیاسی حکومت های این دوره را متأثر از هوش و استعداد سیاسی ایرانیان می دانند. عبدالله بن طاهر که از سوی مأمون بر حکومت خراسان گماشته شد، در خراسان بناهای زیادی ایجاد و وقف مردم کرد و به توسعه کشاورزی و آبیاری و حفر قنات پرداخت و کتابخانه عظیمی نیز در نیشابور بر پا کرد.<sup>۱</sup> خراسان در این دوره مورد توجه علویان و محل حضور آنها بود. طاهریان که پیرو مذاهب اهل سنت بودند از خلافت عباسی حمایت و قیامهای علویان را سرکوب می کردند.<sup>۲</sup> آنها زبان عربی را پذیرفتند، نثر و نظم در این دوره عربی بود و تشکیلات اداری آنها با اقتباس از خلافت عباسی نمونه ای از دیوانسالاری عهد ساسانی بود.<sup>۳</sup> اما در دوره صفاریان یعقوب لیث درصدد بر چیدن خلافت عباسیان بود و به همین قصد به بغداد لشکر کشی کرد و پیشنهاد صلح خلیفه را نیز پذیرفت. او شاعران را تشویق می کرد که به فارسی شعر بسرایند. هر چند اشعاری که به زبان فارسی سروده می شد از نظر شعری سست بود اما این اولین نشانه های شعر درباری به زبان فارسی بود. از سده دوم هجری به بعد مکتبخانه به عنوان نهاد آموزشی شکل گرفت و در هر شهری نه تنها چند مکتبخانه وجود داشت بلکه کمتر روستایی خالی از این مرکز تعلیمی بود. در ایران پس از آموختن خط و زبان عربی و وارد کردن واژه های عربی در زبان کهن پهلوی و پدید آمدن زبان فارسی جدید و نگارش

۱. امیر اکبری، تاریخ حکومت طاهریان، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، صص ۲۰۹-۱۹۹

۲. اکبری، همان، ص ۱۳۲

۳. همان، صص ۸۷-۲۶۹

حرفهای پهلوی به خط عربی، مکتبخانه‌ها به وجود آمدند. مکتب‌خانه‌ها که با آموزش قرآن شکل گرفته بودند پس از مدتی با خواندن کتب و نگارش، نقش آموزشی یافتند.<sup>۱</sup> این مراکز به دلایل مذهبی بیرون مساجد قرار داشتند، اما فاصله چندانی از آنها نداشتند. دختران و پسران در این مراکز به تحصیل اشتغال داشتند. غالباً مکتبداران زن بودند هر چند گه‌گاه مردان نیز در مکتبخانه‌های مختلط به تعلیم اشتغال داشتند یا از مردانی که خوش خط بودند به عنوان «مشاق» هفته‌ای یکی، دو روز دعوت می‌کردند تا تعلیم خط بدهند.<sup>۲</sup> از اواخر قرن سوم هجری توسط اشخاص نیکو کار و امیران، در شهرهای آمل (توسط ناصر کبیر م ۳۰۴ هـ.ق.)، سبزوار، نیشابور، غزنه، بلخ و بخارا مدرسه‌هایی پدید آمد که پس از پایان آموزشهای دوران مکتب، در صورتی که نوجوان به ادامه تحصیل مشتاق بود می‌توانست وارد این نهاد آموزشی عالی شود.<sup>۳</sup> به مرور زمان مکتب‌خانه‌ها جای خود را به مدارس دادند و از رونق و شکوفایی افتادند و سرانجام در جریان حمله مغول ویران شدند و دیگر نتوانستند چون گذشته بارور و به حیات فرهنگی خود ادامه دهند.

## اوضاع فرهنگی در عهد سامانیان

بنیانگذار حکومت سامانی، اسماعیل بود. شکست عمرو لیث صفاری از امیر اسماعیل سامانی، نقطه آغاز قدرت یافتن دولت سامانی به شمار می‌آید. با توجه به دشمنی صفاریان با خلافت این مسئله باعث محبوبیت امرای سامانی نزد دربار بغداد گردید. در این زمان

۱. ناصر تکمیل همایون، «نظام و نهادهای آموزش و پرورش در تمدن ایرانی آسیای مرکزی»، در: فصلنامه مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، تهران، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۱۶

۲. همان، ص ۱۱۸

۳. همان، ص ۱۲۵

بخارا مهم ترین شهر ماوراء النهر و یکی از مراکز علمی جهان اسلام به شمار می رفت.<sup>۱</sup> در پرتو تلاش امرای سامانی، هجوم دانشمندان به این شهر چنان بود که با بغداد کوس برابری می زد. امیر اسماعیل سامانی فردی عالم پرور و علم دوست بود و همنشینی وی بیشتر با علما و دانشمندان بود. به همین دلیل غلامان از او متنفر بودند. به دستور احمد بن اسماعیل احکام را از زبان دری به عربی نقل کردند.<sup>۲</sup> نخستین امرای سامانی در تمهید دولت و بدست آوردن استقلال مملکت، طرح احیای فرهنگ گذشته ی ایران را، وسیله یی برای نیل مقصود و هدف خود انتخاب کردند. در سرزمینی مانند ماوراء النهر که در آن از دیر باز همواره اتباع و ادیان گوناگونی همچون زرتشتی و مانوی و بودایی و مسیحی در کنار هم زندگی می کردند، اجتناب از هر گونه تعصب دینی نیز لازم و ضروری بود.<sup>۳</sup> از این رو سامانیان در عین آن که به نشر فرهنگ و آثار قدیم ایران اهتمام داشتند توجه به فرهنگ اسلام از قرآن و تفسیر تا حدیث و فقه را نیز از یاد نبردند و احیای فرهنگ ایران را مستلزم اظهار مخالفت با فرهنگ اسلام نشمردند. هر چند تشویق و حمایتی که این سلسله از شعر و ادب فارسی دری می کردند انگیزه سیاسی داشت اما غالباً از شور و اشتیاق و میل قلبی و باطنی هم خالی نبود. این عوامل آنها را به حمایت از علما و تربیت شعرا و امی داشت. در زمان سامانیان بخارا مرکز عظمت و کعبه ی قدرت و مجمع بزرگان عصر به شمار می رفت. عده ی بسیاری از فقها و ادیبان در آن شهر می زیستند که به پارسی و تازی آثاری ارزنده به وجود آوردند. بعضی از این امیران خود اهل فضل و ادب بودند و احیاناً در مجالس مناظره با علما هم شرکت می کردند.<sup>۴</sup> با آنکه از قرن سوم هجری بغداد مرکز دانشمندان بود و

۱. حمد الله مستوفی، تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱، ص ۳۷۷

۲. مستوفی، همان، ص ۳۷۸

۳. عبد الحسین زرین کوب، گذشته ادبی ایران، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲

۴. ریچارد فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمد محمودی، تهران: انتشارات علمی و

فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۹۱؛ زرین کوب، همان، ص ۲۲۳

مراکز ولایات نیز منعکس کننده جلال و شکوه دارالخلافه بغداد بودند ولی هیچ یک از آنها به پای بخارا نمی رسید.<sup>۱</sup> به نظر می رسد استخدام در دستگاههای دولتی بهترین وسیله تشویق و حمایت از ادبا و دانشمندان بود و همه از امیر گرفته تا مقامات زیردست از علاقه مندان به علم و فرهنگ به شمار می رفتند. در دوران سامانیان منصب وزارت رونق به سزایی داشت. در تشکیلات دیوانی و اداری سامانی وزرای مشهوری چون «ابوعبدالله جیهانی» حضور داشتند؛ گردیزی و نرشخی از فضل و علم و دانش وی و این که اداره تمامی دیوان ها را به وجهی نیکو بنا می نهاد سخن گفته اند.<sup>۲</sup> ابوالفضل بلعمی و ابو جعفر عتبی نیز از وزرای عالم و دانش دوستی بودند، که در میان وزراء از شهرت زیادی برخوردار بودند. امرای سامانی و وزرای دانشمند آنها هر چه بیشتر سعی می کردند تا دانشمندان را از نواحی مختلف جمع کنند و به محفل علمای دربار خویش گرمی بیشتری بیفزایند. از این جمله ابونصر سامانی بود که از صاحب بن عباد وزیر دانشمند آل بویه دعوت کرد تا به جمع آنها بیوندد ولی او به بهانه داشتن کتابخانه بزرگ از وی عذر خواست.<sup>۳</sup> دوره سامانیان دوره اعتلای زبان فارسی بود و منطقه تحت نفوذ آنها و به ویژه بخارا مرکز دانشمندان بود. نرشخی در تاریخ بخارا اطلاعات زیادی ارائه می دهد که نشان دهنده توسعه فرهنگی منطقه است. او بخارا را از بلاد خراسان دانسته و نوشته است که این شهر (در قرن سوم هجری) مسجد جامع دارد و «اندر وی ادبا و شعرا بسیار بوده اند».<sup>۴</sup> همچنین از روستایی به نام شمس

۱. فرای، همان، ص ۸۹

۲. ابوسعید عبدالحی محمود گردیزی، زین الاخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۱۵۰؛ ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱، ص ۱۲۲

۳. غلامرضا فدایی عراقی، حیات علمی در عهد آل بویه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۴۳۶

۴. نرشخی، همان، ۱۳۱۷، ص ۱۲